

اسلام نوسانتارا: اسلام در مجمع الجزایر اندونزی

در ادبیات سیاسی - اجتماعی امروز اندونزی، عبارت اسلام نوسانتارا جایگاه ویژه‌ای دارد. این عبارت اشاره مستقیمی است به نوع و جهت‌گیری حیات اسلامی در پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی دنیا که در عین حال تحت نظام سکولار، به معنی حاکمیت قانون موضوعه و نه شریعت اسلامی، اداره می‌شود و قانون اساسی، اعتقادات گوناگون در کشور را در هماهنگی با دیگران آزاد می‌داند. این نوشتار بر آن است تا به اختصار بخش‌هایی از مفاهیم و روابط مربوط به اسلام نوسانتارا را در کنار یکدیگر بررسی و تصویر نسبتاً روشنی از آن به دست دهد.

۱- مفهوم لغوی نوسانتارا

نوسا معنای جزیره می‌دهد و آنتارا به معنای درون است. نوسانتارا در زبان جاوه‌ای قدیم به معنای مجمع الجزایر و در زبان مالایی به معنای دنیای مالایی است. گفته می‌شود این مجمع الجزایر در قرن ۱۳ میلادی اتحادیه‌ای علیه توسعه‌طلبی و تجاوز سلسله مغولی یوان چین تشکیل داده بودند و عبارت نوسانتارا ریشه در آن زمان دارد. اتحادیه تقریباً تمام مجمع‌الجزایر جنوب شرق آسیا را دربرمی‌گرفت.

قبل از آنکه کشوری به نام اندونزی تشکیل شود این سرزمین به هند شرقی هلند شناخته می‌شد. در قرن بیستم نام نوسانتارا برای آن پیشنهاد شد و امروزه، نوسانتارا در اندونزی مترادف با مجمع‌الجزایر اندونزی است. این در حالی است که در محاوره رایج مالزیایی، نوسانتارا کماکان به عنوان مجمع‌الجزایر مالایی تمام کشورهای اندونزی، مالزی، سنگاپور، برونئی و فیلیپین را شامل می‌شود که منطبق با ریشه تاریخی لغت است.

۲- مفهوم سیاسی نوسانتارا برای اندونزی

علاوه بر آنچه گفته شد، نوسانتارا در ادبیات سیاسی امروز اندونزی، بخش جغرافیایی ستون فقرات اتحاد کشور است. از نظر تاریخی، ابتکار ژاپنی‌ها در اعطای استقلال به اندونزی در ۱۷ اوت ۱۹۴۵، پس از پیام تسلیم رادیویی ۱۵ اوت هیرو هتیو، امپراتور و قبل از امضای قرارداد تسلیم ژاپن به متفقین، فضای به هم ریخته‌ای را در مجمع‌الجزایر به وجود آورد که از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ و شناخته شدن قطعی و بین‌المللی استقلال کشور و حتی بعد از آن ادامه یافت.

شورش‌های منطقه‌ای و مقاومت غیرمتمرکز چریکی در این پنج سال علیه هلندی‌ها، بعدها نیز به نافرمانی‌های بخشی تبدیل شد. تا آن زمان، جزایر هر کدام حاشیه خود را داشتند و آب میان آنها تقریباً بلا صاحب تلقی می‌شد. در سال ۱۹۵۷، دولت مرکزی اعلامیه‌ای تحت عنوان اعلامیه جواندا منتشر و یکپارچگی کشور را شامل تمام جزایر و آب‌های بین آنها اعلام کرد. کل آب و خاک یک بدنه واحد اعلام شد و بدین ترتیب همه

خودمختاری‌های محلی به ویژه در محدوده آب‌ها ملغی اعلام گردید. دلیل عمده این اقدام، مقابله با شورش‌ها و نافرمانی‌های محلی بود ولی در طول جلسات کنفرانس حقوق دریایی سازمان ملل ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۲، این مفهوم یکپارچگی جغرافیایی نوسانتارا به کمک اندونزی آمد و نه تنها آب‌های بین جزایر - با هر فاصله‌ای از هم - آب‌های داخلی محسوب شد، که ۲۰۰ مایل دریایی ماوراء آخرین نقطه خاکی اطراف مجمع‌الجزایر نیز به‌عنوان منطقه انحصاری اقتصادی اندونزی به همراه مالکیت دولت جاکارتا بر تمام منابع دریایی و زیر دریایی این محدوده وسیع به رسمیت شناخته شد که درآمد کلانی را از آن به بعد نصیب دولت مرکزی ساخت.

بدین ترتیب، مفهوم جغرافیایی نوسانتارا در مجمع الجزایر اندونزی، نماد وحدت سرزمین کشور و مردم است. مردمی از نژادها و عقاید گوناگون در مجمع الجزایر از هم جدا و موقعیت‌های جغرافیایی متفاوت که باید تحت یک نظام سیاسی واحد، جمهوری اندونزی، با هم زندگی کنند و تکثر فرهنگی - اعتقادی آنها در وحدت سیاسی و اجتماعی و جغرافیایی تحت قانون اساسی و قوانین موضوعه حفظ گردد. در اندونزی اینها لازمه و قاعده اصلی هرم صلح و ثبات و پیشرفت تلقی شده است.

۳- حضور اسلام در اندونزی

اسلام در طول چند قرن شاید تنها هویت مشترک بیش از ۳۳۰ گروه قومی و نژادی از مردم این مجمع‌الجزایر دارای هویت‌های محلی گوناگون با ۲۵۰ زبان محلی بوده است. مردمانی آرام، برخوردار و منتفع از طبیعت سخاوتمند و پر میوه جنگلی، با کمترین ترس از هجوم‌های مغولی از خارج در مقایسه با تجربه تاریخی

تمدن اسلامی خاورمیانه. آرامش و نوع‌دوستی ساکنان ریشه دیگری نیز دارد و آن فقدان حاکم مستبد برای تزریق ترس دائمی در دل‌های ایشان بوده است. استبداد معروف شرقی مبتنی بر مدیریت جوامع کشاورزی در سرزمین‌های کم‌آب، در این سرزمین پر بارش استوایی جایی ندارد. همچنین، با علم به عدم امکان دیوارکشی دور جزیره و امکان سریع مهاجرت و فرار مردم به جزایر دیگر و نتیجتاً آبادی سایر جزایر مقصد به بهای زوال جزیره مبدأ مهاجرت، حکام جزایر همواره آموخته بودند که مردم‌دار باشند. اسلام هم به آرامی و با مدارا و مردم‌داری به تدریج در قلب مردم رسوخ کرد و باقی ماند. بخش مهمی از این مردم‌داری، از حکام گرفته تا مبلغان اسلام، تحمل دیگران، مدارا و اعتدال در فکر و عمل بوده است. هندویسم، بودیسم و کنفوسیوسیم نیز قبل از اسلام به همین ترتیب حوزه خود را در میان این مردم یافته بودند.

گفته می‌شود مذاهب نظام‌دار توسط مهاجران و بازرگانان به این جزایر آورده شد. هندویسم و بودیسم طی قرون دوم تا چهارم میلادی و اسلام در قرن ۱۴ از گجرات هند آمدند. حضور ایرانیان و اعراب به‌ویژه یمنی‌ها و همچنین مشارکت برخی سادات در تبلیغ اسلام، فرهنگ، لغات، سیاست و روابط اجتماعی را تحت تاثیر فراوان قرار داد.

با این حال گفته می‌شود در این مجمع‌الجزایر هیچ اثر تاریخی و اثر ادبی مالایی پیش از اسلام وجود نداشته و در واقع زبان مالایی ابزار و همراه اصلی در راه‌یابی تمدن اسلامی و زبان ادبی و فکری جوامع اسلامی در این خطه شد.

جالب‌تر اینکه در جاوه سنگ قبری با عبارت «فاطمه بنت میمون فوت ۱۰۸۲ م» روی آن دیده شده

است که ممکن است نشان از اولین ورود شیعیان به اندونزی باشد. همچنین این بطوطه، مورخ نامدار اسلامی، معاون رئیس نیروی دریایی منطقه پاسای (شمالی‌ترین نقطه جزیره سوماترا) را بهروز نام ایرانی در نوشته‌های خود ثبت کرده است.

تا پایان قرن ۱۵، بیست پادشاهی مسلمان در غرب جزایر، عمدتاً سوماترا و جاوه غربی، تشکیل شد که براساس قوانین اسلامی اداره می‌شدند. بعدها پرتغالی‌ها، مذهب کاتولیک را به تیمور و فلورس و جزایر ملوک و هلندی‌ها، پروتستانیسیم لوتری و کالوینیسم را به شرق اندونزی آوردند. مسلمانان حاضر، با این تازه واردین با مدارا برخورد کردند و همین رأفت در کنار غنای فرهنگ اسلامی باعث محدود ماندن مذاهب جدید در میان مسلمانان شد.

۴- تحرکات سازمان یافته اسلامی در اندونزی

به‌رغم سطح بالای تحمل و مدارای ذاتی مردم، مقاومت‌های مردم مسلمان در برابر سلطه هلندی‌های اجنبی، در طول دوره استعمار وجود داشته و موارد زیادی از آن ثبت شده است. مسلمانان اندونزی چه با اتکا به نیروی خود و چه با امید جلب حمایت دول اسلامی همچون امپراتوری عثمانی که آوازه پیروزی‌هایش در اروپای مسیحی به گوش مسلمانان اندونزی رسیده بود، همواره مقاومت کرده و مبارزاتی علیه هلندی‌ها داشته‌اند.

بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی برای مقاومت علیه استعمار، چه توسط حکام مسلمان محلی و چه توسط پیشوایان مسلمان در زمان سلطه پرتغال، هلند و انگلیس در طول قرون ۱۷ تا ۱۹ گزارش شده است که شاید مهم‌ترین آنها نهضت علمای دین به رهبری محمد شهاب

در سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۷ در سوماترای غربی و نهضت مسلمانان آنچه در شمال سوماترا با رهبری علما و پیشوایان مذهبی در سال ۱۸۳۷ باشد. این مبارزات در ابتدا به صورت پراکنده و در آستانه قرن ۲۰ به شکلی سازمان یافته‌تر در جاوه و در سایر مناطق به تشکیل دو سازمان محمدیه و نهضت العلما و برخی سازمان‌های کوچک‌تر انجامید.

الف) محمدیه

محمدیه، دومین سازمان بزرگ اسلامی امروز اندونزی با ۲۹ میلیون عضو، ابتدا در شهر جوگجا کارتا در ۱۹۱۲ به عنوان یک جنبش اصلاح‌گر اجتماعی - مذهبی تاسیس شد که طرفدار اجتهاد فردی از قرآن و حدیث در برابر تقلید شریعت از علما در زندگی مذهبی بود. گفته می‌شود احمد دهلان، مؤسس محمدیه، که گروهی سنی‌مذهب هستند، تحت نفوذ فکری محمد عبده بوده است. او معتقد بود اسلام را باید بر مبنای قرآن و سنت تفسیر کرد، اما در این تفسیر و توجیه باید شرایط زمان و مقتضیات ناشی از تحولات زندگی اجتماعی را از نظر دور نداشت. به عقیده این سازمان، از آنجا که بیشترین پیرایه‌ها و مسایلی که به نام اسلام در طول قرن‌ها استنباط شد و هم‌اکنون با تحولات و مقتضیات زمان ناسازگار شده و مانع بزرگی بر سر راه انطباق زندگی نوین با اسلام تلقی شده است، همان دسته مسایلی است که از منابعی به جز قرآن و سنت به دست آمده است، برای پالایش این گونه پیرایه‌ها چاره‌ای جز بازگشت به قرآن و سنت نیست.

این سازمان تا سال ۱۹۲۵، ۴۰۰۰ عضو داشت و ۵۵ مدرسه و دو درمانگاه تاسیس کرد و به گسترش سازمان یافته نفوذ در مردم مشغول بود. به سیاست نپرداخت،

حزب سیاسی تاسیس نکرد و چندان مورد مخالفت هلندی‌ها هم نبود. تا ۱۹۳۸، شمار اعضای رسمی به ۲۵۰ هزار نفر رسید که ۸۳۴ مسجد، ۳۱ کتابخانه و بیش از ۱۷۰۰ مدرسه را اداره می‌کردند و ۷۶۳۰ روحانی عضو آن بودند. اعضای محمدیه در جریان درگیری‌های استقلال، فعالانه شرکت کردند. پس از آن نیز گزارش شده است که با فراخوان انهدام جنبش ۳۰ سپتامبر و حزب کمونیست اندونزی در سال‌های ۶۶-۱۹۶۵ وارد درگیری‌ها و کشتارهای آن سال‌ها شدند.

در دهه ۷۰ کمیته‌های امور آموزشی، اقتصادی، درمانی و تامین اجتماعی محمدیه به جا کارتا نقل مکان کردند. محمدیه اکنون دارای بیش از ۵۷۰۰ مدرسه، دانشگاه و صدها مرکز درمانی در سراسر کشور بوده و با بخش مهمی از زندگی مردم در تماس دائمی است. سازمان‌های مستقل مختلفی در چارچوب اهداف محمدیه فعالند که از جمله آنها می‌توان به عایشه (زنان)، پمودا محمدیه (جوانان)، نسبه العایشه (زنان جوان)، انجمن دانش آموزان محمدیه، انجمن دانشجویان محمدیه و حزب الوطن (پیشاهنگان) اشاره کرد.

ب) نهضت العلماء

از سوی دیگر نهضت‌العلماء بزرگ‌ترین سازمان اسلامی فعلی اندونزی با قریب ۴۰ میلیون نفر حامی در سال ۲۰۰۳، در ۱۹۲۶ برای اتحاد مسلمانان به منظور مقابله با سکولاریسم و کمونیسم و اصلاح‌گری‌های محمدیه و نفوذ احمدیه، توسط سنت‌گرایان ارتدوکس اهل سنت پدید آمد. در بعد خارجی گفته می‌شود الغای خلافت توسط آتاتورک در ۱۹۲۴ و تصرف مکه توسط وهابیون که امنیت حجاج اندونزی را به خطر انداخت، در تشکیل نهضت‌العلماء موثر بوده‌اند. نهضت‌العلماء نیز همچون

محمدیه به آموزش زنان و جوانان توجه بلیغ معطوف داشت و سازمان‌های مسلمات (زنان) و انصار (جوانان) را برای توجه به این دو گروه مهم جامعه تاسیس کرد.

نهضت‌العلماء در طول سال‌های اشغال توسط ژاپن و سپس مبارزه مسلحانه با هلندی‌ها تا کسب استقلال همواره در جهت استقلال کشور فعال بود و آن را جهاد اعلام نمود. نهضت از ۱۹۵۲ تبدیل به حزب سیاسی شد و به ائتلاف‌های مختلفی پیوست ولی هیچ‌گاه دعوت آن برای تبدیل کشور به دولت اسلامی با اقبال اکثریت مواجه نشد. گفته شده است که شاخه انصار یا جوانان نهضت در قتل عام کمونیست‌ها در سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ مشارکت فعال داشته است و آن را جهاد تلقی کردند. این اقدام کمک بزرگی به سوهارتو برای در دست گرفتن قدرت بود.

در طول دوران سوهارتو اما، نهضت به‌رغم حرکت در قالب حزب سیاسی، مخالفت‌های مهمی در تصویب قوانین سکولار حاکم بر ازدواج و طلاق و آموزش انجام داد ولی در نهایت تحت فشار دولت در ۱۹۸۴ به اصول اولیه ۱۹۲۶ خود بازگشته، از سیاست دوری کرده و به اصول پانچاسیلا، به عنوان پایه نظام وحدت سکولار کشور اعلام وفاداری و از ۱۹۹۱ خود را متعهد به ارتقای دموکراسی در کشور اعلام نمود. گفته می‌شود عمده پایگاه جمعیت بیش از ۴۰ میلیون نفری نهضت‌العلماء در مناطق کشاورزی و طبقات فرودست روستایی و در مقایسه با پایگاه اجتماعی عمدتاً طبقه متوسط شهری محمدیه است.

در نشان نهضت‌العلماء، ستاره‌ای به نشانه رسول اکرم (ص) ۴ ستاره به نشانه خلفای راشدین و ۴ ستاره در پائین به نشانه چهار مذهب اهل سنت به همراه نقشه اندونزی

در مرکز کره زمین در وسط نشان با عبارت نهضت‌العلماء همگی به رنگ سبز دیده می‌شود. نهضت‌العلماء در عین قرار گرفتن در طیف محافظه‌کاران مذهبی، به شدت مخالف اسلام رادیکالی است و استدلال می‌کند که اندونزی باید هویت ملی خود را بر مبنای فراگیری همه مذاهب بنیان نهد. نهضت‌العلماء نیز همچون محمدیه مدارس و بیمارستان‌های زیادی را تاسیس و اداره می‌نماید.

۵- قانون اساسی و پانچاسیلا

قانون اساسی جمهوری اندونزی و پنج اصل موسوم به پانچاسیلا قاعده نظام سیاسی اندونزی را تشکیل می‌دهند. مطابق اصل یکم قانون اساسی دولت اندونزی یک دولت واحد و دارای شکل جمهوری است. حاکمیت از آن ملت است و توسط مجلس نمایندگان اعمال می‌گردد. بر اساس اصل دوم کلیه تصمیمات مجلس شورای خلق با اکثریت آرا اتخاذ می‌گردد. مطابق اصل سوم مجلس شورای خلق قانون اساسی و خطوط اصلی سیاست کشور را تعیین و مقرر می‌نماید. اصل ۲۹ قانون اساسی اندونزی تعیین می‌کند که ۱- اساس دولت اعتقاد به خدای واحد متعال می‌باشد؛ و ۲- دولت آزادی هر کس را در پیروی از دین، مذهب و اجرای مراسم و وظایف مذهبی خود تضمین می‌نماید. بر اساس اصل سی‌ام، همه اتباع کشور موظف و مکلف به دفاع از کشور می‌باشند.

پنج اصل پانچاسیلا نیز به ترتیب ذیل عبارتند از:

۱. اعتقاد به خدای یگانه ۲. انسانیت متمدن عدالت‌مدار
۳. تمامیت و یکپارچگی کشور اندونزی ۴. مردم‌سالاری مبتنی بر درایت و وفاق و یکدلی برآمده از هم‌اندیشی و

شور و مشورت نمایندگان مردم ۵. عدالت اجتماعی برای همه مردم اندونزی.

به‌علاوه، در همه مراسم و مناسبت‌ها که آیات کلام‌الله مجید با آرامی و لطافت تلاوت می‌شود، همه اندونزیایی‌ها، اعم از خواص و عوام، با غرور و با صدای بم عبارات ذیل را در سرود ملی خود تکرار می‌کنند:

- اندونزی، سرزمین و زادبوم من، سرزمینی که خونم را می‌ریزم و در همان جا می‌ایستم تا دیده‌بان میهنم باشم؛

- اندونزی، ملیت من، کشور من و زادگاه من؛

- بی‌ایید تا بانگ برآوریم: «اندونزی متحد می‌شود»؛

- ای سرزمین و کشور پاینده باشی، ای کشور و همه مردم من، بی‌ایید برای اندونزی بزرگ روح و جسم خود را نثار کنیم؛ و

- اندونزی بزرگ، آزاد و مستقل، سرزمین و کشور مقدس من که دوستش دارم، پاینده باشی.

برخی این عبارات را چکیده ناسیونالیسم می‌دانند در حالی که بیشتر در آن می‌توان میهن‌دوستی و هویت مستقل اتباع کشور را دید تا فرضا ملی‌گرایی مبتنی بر جدایی از دیگران یا برتری بر خارجی‌ها که از مفاد ریشه‌های ناسیونالیسم اروپایی است.

از رئیس وقت کمیسیون تبلیغات مجلس علمای اندونزی نقل شده است که: پانچاسیلا نقطه مشترک ادیان در اندونزی است. پانچاسیلا ثابت کرده که می‌تواند پیروان ادیان مختلف کشور را متحد کند. دولت اندونزی که با فداکاری و ایثار تشکیل شده پانچاسیلا را به عنوان یک نگرش عاقلانه برای متحد کردن مردم و رفاه جامعه انتخاب کرده و مسلمانان که اکثریت جمعیت کشورند، داوطلبانه محبت و مهربانی را که در آموزه‌های اسلامی

تایید شده است، در رفتار با دیگران مورد توجه قرار می‌دهند.

۶- اسلام و مسلمانان در نظام سیاسی در اندونزی

همانطور که ذکر شد، اسلام سیاسی در اندونزی از تحركات پراکنده ضد استثماری به اقدامات سازمان یافته تا استقلال و سپس حزب تکامل یافته است.

در دوران نبردهای استقلال طلبانه، احزاب و سازمان‌های مسلمان از یک سو با یکدیگر و با دیگر نگرش‌های سیاسی در راه استقلال همراه بودند و از سوی دیگر با یکدیگر و با دیگران بر سر اینکه حکومت آینده سکولار باشد یا اسلامی و اگر اسلامی باشد بر اساس قرآن و سنت باشد یا یکی از مذاهب اهل سنت، درگیر بودند. این درگیری‌ها پس از استقلال ادامه یافت و به‌ویژه به رویارویی مسلمانان با کمونیست‌ها انجامید. کمونیست‌ها که در راه استقلال جنگیده و به پانچاسیلا وفادار بودند توسط ائتلاف ارتش به فرماندهی سوهارتو و احزاب مسلمان از صحنه روزگار برچیده شدند. سوهارتو سپس به سیاست‌زدایی از اسلام در اندونزی پرداخت و فعالان آن را به سمت فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی سوق داد.

تا آنجا که به مبارزه جهادی مربوط می‌شود، با آنکه حداقل در دو مقطع اعلام جهاد از سوی سازمان‌های اسلامی، یک بار علیه هلندی‌ها و بعد علیه حزب کمونیست گزارش شده، اما در دوران سوکارنو و سپس سوهارتو، اسلام تنها به‌عنوان یکی از شش مذهب کشور پذیرفته شد و به‌عنوان یک ایدئولوژی سیاسی که قصد تشکیل نظام دولتی اسلامی داشته باشد، به حاشیه رانده شد. سازمان‌ها و احزاب مسلمان باید به اصول سکولار

پانچاسیلا وفاداری اعلام می‌کردند و آن را در عمل نشان می‌دادند تا فعالیتشان قانونی تلقی شود.

سوهارتو در عین حال قائل به امتیازاتی برای مسلمانان بود که از آن جمله به تشکیل دادگاه و بانک اسلامی، تاسیس مجمع روشن‌فکران مسلمان، آزاد گذاشتن پوشش اسلامی در محیط‌های آموزش، تعطیل نشریات توهین‌کننده به اسلام و رساندن تعداد وزرای مسلمان به ۳۷ نفر در کابینه ۴۱ نفری اشاره شده است. این امتیازات را در چارچوب حمایت دولت از فعالان قانون‌پذیر میانه‌رو و محافظه‌کار در برابر رشد بنیادگرایی قانون‌گریز تحلیل کرده‌اند.

در انتخابات سراسری ۱۹۵۵، احزاب اسلامی، ۴۴ درصد آرا را از آن خود ساختند. پس از سقوط سوهارتو، ۴۲ حزب اسلامی اعلام موجودیت کردند که اقدامات ۲۰ گروه از آنها منجر به تاسیس حزب شد. در انتخابات ۱۹۹۹، ده حزب هر یک حداقل یک کرسی در مجلس به دست آوردند. در اولین انتخابات پس از سقوط سوهارتو، آنها ۳۶٫۳ درصد آرا را در سال ۱۹۹۹ و سپس ۴۱ درصد آرا را در ۲۰۰۴ کسب کردند. این درصد اما در سال ۲۰۰۹ به ۲۹٫۲ درصد کاهش یافت. با این حال مشاهده شده است که قوانین حدوداً مبتنی بر دستورات اسلامی در پارلمان سکولار تصویب می‌شود و در واقع اسلام سیاسی در صحنه حضور دارد و همه سیاستمداران بر حساسیت مذهب به‌عنوان یک مفهوم سیاسی واقفند. در این میان البته از گروه‌هایی نیز نام برده می‌شود که متهم به اقدامات تروریستی همچون انفجار بالی بوده و تحت تعقیب قرار دارند. اینها گروه‌هایی هستند که در چارچوب پانچاسیلا و حکومت قانون قرار نداشته و از نظر دولت یاغی تلقی می‌شوند. اساس تفکر این گروه‌ها بینش

تکفیری است، بدان معنا که هر کس که با آنها نیست یا کافر است و یا مرتد مهورالدم، و یا نادان است و مستحق ارشاد، مانند عامه مردم. به طور خلاصه می‌توان مسلمانان اندونزی را به دو گروه عامه مردم و فعالان سیاسی تقسیم کرد:

الف) بدنه اجتماع: عامه مردم

اکثر قریب به اتفاق این بزرگترین جمعیت مسلمان دنیا در گروه اول جا می‌گیرند. مردمانی که مطابق مشاهدات، هنگام اذان مساجد را پر کرده و خودروهایشان در خیابان‌های اطراف مساجد تقریباً راهبندان ایجاد می‌کند، زکات می‌دهند و حج می‌روند، با دولت و قوانین سکولار می‌سازند و در طول دهه‌های بعد از استقلال به تدریج از طبقات فرو دست به سطوح قابل دسترسی طبقه متوسط نقل مکان می‌کنند. آنها به مسلمان بودن خود افتخار می‌کنند و طبق قانون و بر اساس فرهنگ ریشه‌دار مدارا و نوع‌دوستی و در سایه هویت اکثریتی خود، با سایر ادیان و فرق در همزیستی و همکاری به سر می‌برند، مگر آنکه گاهی بخش کوچک تحریک‌پذیری از آنها به ناگاه علیه اقلیتی محلی در جایی شورش کنند، همانگونه که در سامپانگ^۱ شد. به نظر یکی از مسئولان مجلس العلما اندونزی ۳۰۰ فرقه منحرف در اسلام در اندونزی وجود دارد که مجموعاً در اقلیت قرار دارند. اکثریت، معمولاً این اقلیت را تحمل می‌کند و اقلیت نیز معمولاً از تحریک اکثریت خودداری می‌نماید.

از جمله مثال‌های همزیستی اینکه در جاهایی مثل مسجد استقلال، از بزرگترین مساجد کشور و مسجد سونداکلاپا، از مساجد اصلی معروف جاکارتا که هر دو کلیسای بزرگی را در همسایگی دارند، مشاهده می‌شود که محوطه‌های پارکینگ اطراف خود را در ساعات اوج مراجعه مردم به هر یک، به هم قرض می‌دهند. امام جماعت مسجد استقلال به این موضوع به‌عنوان نشانه همکاری و همزیستی ادیان در اندونزی اشاره می‌کند.

دولت نیز سعی می‌کند از طریق وزارت دین و همچنین ارتباط گسترده با مساجد و ائمه جمعه و جماعت از یک سو و رهبران احزاب و گروه‌های همکاری‌پذیر از سوی دیگر، از ظرفیت‌های کلان فرهنگی، اجتماعی، نظم‌پذیری و همکاری مسلمانان و سایر ادیان در جهت ارتقای کشور بهره جوید. در اینجا لازم است به این نکته توجه شود که منظور از تعریف سکولار در نظام اندونزی، رویکرد هستی‌شناسانه به دنیا و محدود کردن انسان به ماده و محروم‌سازی اندیشه از باورهای فوق طبیعی و قدسی دینی نیست، بلکه حاکمیت سکولار بر مبنای قوانین موضوعه توسط نمایندگان اکثریت مسلمان و آزادانه انتخاب شده از سوی اکثریت قریب به اتفاق جمعیت است که همانا مسلمانان باشند. آنطور که از نظرات فعالان سیاسی مسلمان اندونزی برمی‌آید، قانون موضوعه مجلس بر آمده از انتخابات آزاد و رأی همان جمعیت مسلمان، توسط نمایندگان قریب به اتفاق مسلمانان تصویب و توسط دولتی اجرا می‌شود که هدفش حفظ اتحاد کشور و اعتلای آن در فضای ثبات و امنیت بوده و بدنه‌اش از رئیس‌جمهور تا پائین‌ترین اجزا دوایر رسمی، از همان جمعیت اکثریت مسلمان تشکیل شده است. بدیهی است

۱. در سال ۱۳۹۱ شیخ تاج‌الملوک رهبر شیعیان منطقه سامپانگ در استان جاوه شرقی به اتهام تشویش اذهان جامعه با تدریس آموزه‌های انحرافی، دستگیر و روانه زندان شد. در ادامه ۲۵۰ خانوار شیعه منطقه بالاجبار از موطن خویش رانده و در اردوگاه‌های موقت اسکان داده شوند، برخی علمای افراطی اهل سنت منطقه و مجالس علما استانی اندونزی ضمن صدور فتاوی مکرر مبنی بر ضلالت شیعه بر لزوم توبه و بازگشت شیعیان سامپانگ به مذهب اهل سنت تأکید دارد.

سایر ادیان رسمی نیز، آنگونه که گفته می‌شود بدون تبعیض در بدنه دولت و در صحن مجلس حضور دارند.

ب) فعالان سیاسی مسلمان

فعالان سیاسی مسلمان اما، در دو گروه اصلی جای می‌گیرند. گروه اول طیفی را شامل می‌شود که از گریزندگان از قانون و تکفیری‌ها شروع و به پیروان ایده تبدیل کشور به «کشور اسلامی» ختم می‌شود. نقطه مشترک اینها، درخواست تغییر سیستم حکومتی از سکولار به حاکمیت شریعت است. نقطه ضعف اصلی این طیف ریشه در فقدان راه‌کار مشترک، تشتت و تفرقه آرا و خرده فرهنگ‌های محلی و قومی از یک‌سو و فقدان تجربه مثبت محک‌زده و امتحان پس داده در صحن مدیریت داخلی کشور و حتی در سطح محلی دارد. نقطه ضعف اصلی دیگر، شباهت‌های رفتاری و عقیدتی تندروهای آنان با گروه‌هایی همچون القاعده و داعش و طالبان و بوکوحرام است که امتحان خود را در حکومت و اقدام سیاسی در بعد یک‌سویه نوعاً تروریستی و انتحاری و مردم‌ستیز و زورگو در خاورمیانه و آفریقا نشان داده‌اند. اینها نه جایگاه وزینی در مطالعات و شناخت اسلامی دارند و نه مقبولیتی در بین عامه مردم و نه جایگاهی نزد دولت و در سطح بین‌المللی. رسانه‌های آزاد کشور هم به خوبی ماهیت غیرانسانی آنها را در چارچوب اعمال آشکارشان برای مردم پوشش می‌دهند. این گروه فقط یک حامی مالی اصلی و چند حامی معدود خارجی دارند و برخی از آنها اخیراً وظیفه جذب نیروی پیاده انتحاری را برای داعش و امثال آن بر عهده گرفته‌اند. نگرانی اصلی دولت اندونزی بازگشت این تروریست‌های سازمان‌یافته و آموزش‌دیده از نقاط بحرانی خاورمیانه به مجمع‌الجزایر است.

گروه دوم فعالان سیاسی عمدتاً در احزاب، مجالس قانون‌گذاری و بدنه‌های دولت و دستگاه قضا حضور دارند و روابطشان طبق قانون اساسی و بر اساس قوانین موضوعه تنظیم می‌شود. اصل قابل قبول نه ایدئولوژی اسلامی بلکه ایدئولوژی میهن‌پرستی است. در این چارچوب قانونی گزارش نشده که مسلمانی را مجبور به عمل خلاف شرع کند یا غیرمسلمانی را به انجام خلاف شرع دین خود اجبار نماید، اما در این زمینه اختلافاتی در خصوص مغایرت برخی احکام و فتاوی با برخی مقررات وجود دارد. سود و بهره عملیات اعتباری بانکی، چند همسری و حجاب در برخی مشاغل از جمله این موارد در برخی موقعیت‌هاست. میهن‌پرستی هم بر پایه حفظ اتحاد و استقلال کشور و همزیستی با سایر ملل تعریف می‌شود و معنای نژادپرستی یا خودبرتربینی و ناسیونالیسم از نوع قرون ۱۹ و ۲۰ اروپا ندارد. مالکیت دولتی را هم که در برخی کشورها به غلط «ملی»^۱ یا «ملی‌شده»^۲ ترجمه کرده‌اند، با عبارت صحیح: «تحت تملک دولت»^۳ در قانون و در متون آورده و به کار می‌برند و با دیدگاهی کاملاً عمل‌گرایانه، از ایجاد حساسیت ناسیونالیستی و ملی‌گرایی ایدئولوژیک در متون و ادبیات سیاسی و اخبار روزانه خودداری می‌کنند.

۷- اسلام نوسانتارا در جهان امروز

در مجموع می‌توان گفت که در اسلام نوسانتارا، دولت و دین یکدیگر را به عنوان دو پدیده مجزا پذیرفته‌اند که هر یک می‌کوشند با دیگری در راه اعتلای کشور همکاری داشته باشد. در این حالت دولت نقش

1. National
2. Nationalized
3. State Owned

متحد نگاه دارنده ساختار کشور را ایفا می‌کند و فعالان قانون‌پذیر اسلامی را تقویت می‌کند تا آنها نقش اجتماعی - فرهنگی در حوزه‌هایی که قاعدتاً از وظایف حاکمیت است را بر عهده بگیرند و حامی اهداف دولت برای حفظ کشور باشند. در بعد سیاسی نیز، فعالان قانون‌پذیر از سوی دولت حمایت می‌شوند تا هم علیه گروه‌های تندرو و یاغی مانند طرفداران انواع تروریسم از داعش گرفته تا القاعده و سایرین، فعال مانده و آنها را در اقلیت نگاه دارند و هم از اسلام‌هراسی جلوگیری کنند. در مجموع بیشتر مشاهده شده است که در سایه اقبال عمومی به میانه‌روی اجتماعی، تبلیغ اسلام فرهنگی میانه‌رو بر بینش‌های سیاسی پیشی گرفته است در حالی که این هر دو در ابتدای جنبش اسلامی در اندونزی در کنار هم بودند و هر دو از علایق مسلمانان به شمار می‌رفتند.

این مهم در سایه این اصل صورت می‌گیرد که بر خلاف دنیای مسیحیت هیچ اسلام‌شناسی نمی‌تواند اسلام را از سیاست و حیات سیاسی مردم مسلمان جدا بداند و لذا راه‌حل مناسب متضمن انجام وظایف دولت در حفظ یکپارچگی کشور، همکاری و تقسیم کار بین این دو دیده شده که در پانچاسیلا هم آمده است.

تشکیل و فعالیت احزاب اسلامی هم در چارچوب قانون و همکاری با حاکمیت قرار می‌گیرد. متنی که دین الشمس الدین، رئیس مجلس‌العلمای اندونزی، در سخنرانی اختتامیه ششمین کنفرانس امت اسلام اندونزی در شهر جوگجا کارتا به‌عنوان بیانیه توافقات شرکت‌کنندگان قرائت کرد و متن آن را به رئیس‌جمهور تحویل داد، حاوی این عبارات بود: به‌عنوان اکثریت این ملت، امت اسلام مسئولیت سنگینی برای حفظ و پیشرفت کشور اندونزی بر اساس فهم اسلام رحمت‌للعالمین بر دوشان

است... مسلمین باید متحد باشند، خود را در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تقویت کرده و کشور را بر اساس ارزش‌های اسلامی و اندونزیایی متحد و زنده نگاه داشته و در پیشرفت آن بکوشند.

به‌طور خلاصه می‌توان اسلام نوسانتارا را حاکم بر عامه مردم و فعالان قانون‌مدار سیاسی دانست. این قرائت از اسلام نه تنها دولت اندونزی را به‌عنوان حامی و شریک اجتماعی - فرهنگی خود دارد، که از حمایت غرب و قدرت‌های شرقی نیز برخوردار است. این قرائت از اسلام، اگر چه حامی فلسطین هم هست و با رژیم صهیونیستی رابطه ندارد، اما به دلیل رفتار میانه‌رو خود مورد تأیید حامیان غربی رژیم صهیونیستی است و نظام سیاسی آن در ردیف نظام‌های ترکیه، اردن و مصر قرار می‌گیرد تا بدیل اسلام خواهان پیروزی فلسطینی‌ها بر اشغال‌گران سرزمین‌شان باشد. بر این اساس، چنانچه فلسطینی‌ها به هر نتیجه‌ای در مبارزه خود راضی شوند، اسلام نوسانتارا نیز آن را خواهد پذیرفت، اگرچه شامل به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی در کنار دولت فلسطین و در اراضی اشغالی می‌باشد. این همان است که ایالات متحده و اروپا در غرب و چین، روسیه، ژاپن و کره در شرق خواهان آنند و بر همین اساس با ترکیه، اردن و مصر و سایرین تعامل دارند.

علی اصغر سحرخیز

سفارت جمهوری اسلامی ایران - جاکارتا

*** محتوی گزارش بیانگر دیدگاه رسمی وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد.*